

روزنامه شرق

رسانه

- ۱۰ - صفحه ۱۰ **زیرساخت‌های پژوهشی کشور نیازمند به‌روزرسانی است**
- ۱۱ - صفحه ۱۱ **دیپلماسی علم و فناوری، راهگشای توسعه علمی**
- ۱۲ - صفحه ۱۲ **ایران، سرزمین پررمز و راز شرقی**

گزارش خارجی

گذشته

تاریخچه روزنامه نگاری حزبی

اگر اختراع چاپ را حادو سال‌های ۱۴۵۰ در نظر بگیریم، شاهد این هستیم که در این دوران خبرنامه‌های منتشر می‌شود و می‌گردد. انتشار این خبرنامه‌ها که ابتدا به‌صورت گاهنامه هستند، کشورهایی مانند هلند و آلمان و فرانسه و بعد انگلستان است. درواقع در این دوران و از سده ۱۶۰۰ به بعد شاهد این هستیم که نشریات از حالت گاهنامه به روزنامه می‌رسند؛ اما طول این صد سال ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ در اکثر کشورهای اروپایی نشریه منتشر می‌شود و تعارض قدرت و حکومت وقت و اصحاب کلیسا در این دوران مشهود است. از ۱۷۰۰ به بعد شاهد این هستیم که روزنامه‌ها به قدرت و مفهومی جدی دست یافته‌اند و افکار عمومی به وجود می‌آورد. بعد از این دوران است که انقلاب‌های فرانسه و آمریکا رخ می‌دهد. در مناطق خاورمیانه تا سده ۱۷۰۰ در هیچ منطقه‌ای، روزنامه وجود ندارد و اگر هم در شرق آسیا روزنامه‌ها منتشر می‌شود، توسط کشورهای استعماری است که

و نر می‌گوید بعد از اینکه شن پی و ونر با هم توافق کردند که مطالب نوشته شود، رولینگ استونز آن را مخفی نگه داشت. در اوایل اکتبر گذشته، ونر برای چند روز نتوانست با شن پی ارتباط داشته باشد و بعدتر پی با ونر تماس گرفت و گفت با ال چاپو، همان‌طور که قبلاً بحث کرده بودند، ملاقات کرده است. در این دیدار، کیت دل کاستیلو، هنرپیشه زن مکزیک که زمانی در یک سریال عامه‌پسند نقش یک قاچاقچی مواد مخدر را بازی کرده بود، حضور داشته است. ونر می‌گوید: «این ماجرا فقط بین من و شن بود تا اینکه چند هفته بعدتر، او پیش نویسنده مطلبش را نوشت».

وکیل مجله رویلینگ استونز و دبیر اجرایی آن، جیسون فاین به ویرایش آن مطلب کمک کرد. کار روی مصاحبه حدود دو هفته پیش از انتشار آن تمام شد اما به دلیل چرخه تولید مجله رویلینگ استونز، باید صبر طاقط فرسای تا انتشار شماره بعدی مجله به خرج داده می‌شد که در همین زمان، گوسمن دستگیر شد. تا پیش از دستگیری، مسئله از مقامات پلیس مخفی نگه داشته شده بود و حوالی عید شکرگزاری، شن پی شروع به مذاکره با ال چاپو و رابطانش کرد تا قطعه‌ای فیلم ویدئویی نیز از مصاحبه تهیه کند. مدیران مجله متقاعد شده بودند فشار احتمالی پلیس مزیک را در آمریکا برای دانستن هرچه بیشتر درباره گوسمن تاب بیاورند. ورنر می‌گوید: «ما مطمئن بودیم هیچ اطلاعاتی جز آنچه منتشر می‌کنیم، نخواهیم داشت. ما همان کاری را کردیم که در هر عملیات روزنامه‌نگارانه سنتی در قالب حفاظت از منبع خبری، انجام می‌شود.» اما تحقیقات پلیس مزیک در گوسمن را زده بود و در ماه اکتبر به محل اقامت او حمله کرد و با اینکه نتوانست فرار کند، اطلاعات بیشتری درباره حرکت خود به جا گذاشت.

همه مطلب به‌جز سبک نگارشش که در شبکه‌های اجتماعی نیز به دلیل نخوت‌آمیز بودن آن موردتسخیر واقع شد، ویرایش شد. ویراستاران متوجه اخلاق حرفه‌ای مرتبط با انتشار مطلب و تهدیدات مجله برای سوزۀ خود بودند. قاین که مسئولیت ویرایش نهایی را برعهده داشت، می‌گوید اگر کوسمن خواستار تغییر در مطلب بود، مجله این امکان را داشت که با او منتظر بماند.

در روزنامه‌نگاری، تاریخی طولانی از مصاحبه با افرادی وجود دارد که از دست مقامات قرار گرفته بودند تا به دلایلی دیگری نامطلوب تشخیص داده شده‌اند. مصاحبه با اسامه بن‌لادن در اواخر دهه ۱۹۹۰ بعد از اینکه در آمریکا اعلام جهاد کرد یا مصاحبه دنیس رادمن، سبک‌تاب‌لیست سابق با کیم جونگ-اون، دیکتاتور کره شمالی، نمونه‌ای از این مصاحبه‌هاست.

و نر می گوید: «من فکر نمی کنم تایید نهایی مطلب توسط گوسمن درباره همه مصاحبه در قدم اول، معنی خاصی داشته باشد. ما در گذشته به افراد اجازه می دادیم گفته های خود را مصاحبه ها تایید کنند. ال چایو انگلیس صحبت نمی کرد و به نظر می رسید علاقه کمی برای ویرایش مطلبش در داشت. این امر مورد خاص، چیزهای کمی بود که بخواهد تغییر کند.»

باین حال، منتقدان کار مجله رولینگ استونز قانع نشده‌اند؛ اندرو سیمین، رئیس کمیته اخلاق جامعه روزنامه‌نگاران حرفه‌ای آمریکا، در ویلاک خود نوشته است: اجازه‌دادن به هر منبع خبری برای کنترل داشتن بر محتوا توجیه‌پذیر است. اجازه‌دادن به فرد برای تأیید یا رد انتشار، تمام مطلب را بی اعتبار می‌کند. نویسنده که در اینجا یک بازیگر و فعال اجتماعی است، ممکن بوده مطلب را با سؤگیری به نفع سوره نوشته باشد و در تلاش برای ردیدن مصاحبه، حقایق خفاش‌اند را جا بیندازد.»

عکس: ایدین رهبر



گفت‌وگو با حسینعلی افخمی درباره روزنامه‌نگاری حزبی در ایران

احزاب حتی نمی‌توانند از رسانه‌شان حمایت کنند

نگار حسینی

سیاست‌مداری یک حرفه دیگر. کارمند دولت بودن نیز با سیاست‌مدار بودن متفاوت است. اینکه شما مدیرکل بخشی باشید، الزاما شما سیاست‌مدار حریف نیستید. روزنامه‌نگار در بهترین شکل یک کنشگر سیاسی است که همه حالت دارد؛ یا این کنشگر، کنشگری است که از حزب حاکم یا از حزب اپوزیسیون حمایت می‌کند یا هیچ‌کدام از این دو نیست و مدافع سومی است که بسیار کم‌قدرت است. کار روزنامه‌نگاری به طور مداوم تغییر ایجاد می‌کند. مانند جریان هوا و نسیم ملایمی است که می‌وزد؛ منتها تغییر کند است و سخت متنبه می‌شود. این کنشگر چه بخواد و چه نخواهد، به نوعی ایدئولوژی منتهی است و یک روزنامه‌ی در ذهن و تصویر ایده‌آله از جهان دارد و دنیا را براین اساس ترسیم می‌کند. مفهوم روزنامه‌نگاری بی‌طرف که معمولا روزنامه‌نگاری تجاری به دنبال آن است در دنیای واقعی وجود ندارد. مطالعات جامعه‌شناسی دهه ۷۰ نشان می‌دهد که بی‌طرفی به مفهوم کنش‌بودن نمی‌تواند در روزنامه‌نگاری وجود داشته باشد چون روزنامه‌نگاری همه تأثیرگذار است و هم تغییر تاریخی را با خود همراه دارد و رواقعه همه روزنامه‌نگارها به نوعی موضع‌گیری سیاسی دارند.

❖ پس در واقع بی طرفی حرفه ای می شود در تحریریه نشریه وجود داشته باشد یا خیر؟

چیزی که بی طرفی را نقض می کند فروفرستن در نقش تبلیغات است. سانسور و تبلیغات دوروی یک سکه اند. شما وقتی بی طرفی را نقض می کنید که سانسور وجود داشته باشد وقتی که اغراق باشد. اما چیزی که در روزنامه نگاری و حرفه روزنامه نگاری و سندیکای حرفه ای مدافع آن است این است که روزنامه نگار باید در بیان واقعیت با طرح حقیقت از هیچ شرط و شروطی هراس نداشته باشد. در حقیقت دولت باید از روزنامه نگار حمایت کند. اینجاست که متعارض میان روزنامه نگار و سیاست مدار ایجاد می شود. روزنامه نگار خودش در مدافع حقوق عمومی می داند اما سیاست مدار در بهترین شکل نمایندگی بخشی از جامعه را دارد.

تحریریه روزنامه‌های حزبی که در اروپا هنوز وجود دارند بسیار محدود هستند و احتمالاً متعلق به حزب‌های کوچکی هستند که در قدرت نیستند مانند کارگران سوسیالیست در انگلستان؛ درحالی‌که در گذشته دبلیو تلگراف، ارگان محافظه‌کار بوده است. در حال حاضر تنها در آلمان انتخاب‌های نشریه‌های حزبی فعال هستند چون روزنامه به مشخص کردن موضع سیاسی خود مخاطبانی را برای خود نگاه می‌دارد.

شما به روزنامه‌های حزبی در غرب اشاره کردید. در جهان سوم و در ایران که اساساً احزاب جایگاه چندانی در مناسبات قدرت ندارند، روزنامه‌نگاری حزبی چه جایگاهی دارد؟

تخریب‌روزنامه‌های حزبی که در اروپا هنوز وجود دارند بسیار محدود هستند و احتمالاً متعلق به حزب‌های کوچکی هستند که در قدرت نیستند. مانند کارگزاران سوسیالیست در انگلستان؛ درحالی‌که در گذشته تبلیغات حزبی برای حزب محافظه کار بوده است. به نظر می‌رسد در حال حاضر تنها در آلمان انتخابات نشریه‌های حزبی فعال هستند چون روزنامه با مشخص کردن موضع سیاسی خود مخاطبانی را برای خود نگاه می‌دارد. به علاوه مخاطب برخی از نیازهای تحلیلی خود را از روزنامه می‌گیرد و به عنوان اعتماد می‌کند و روزنامه‌های نیز به نوعی از خواننده‌های فکری می‌گیرد. بنابراین تحریرهایی به نوعی هویت سیاسی می‌یابد. اما روزنامه‌نگاران نمی‌توانند دو نقشی را هم نمایند مجلس و هم خبرنگار؛ هرچند یک نماینده می‌تواند در روزنامه‌های به صورت ستون چاپ کند اما در واقع او فقط بابت ستون دستمزد می‌گیرد. اما روزنامه‌نگار حزبی می‌تواند در سندیکی حرفه‌ای روزنامه‌نگاران عضو باشد. به‌رحال واضح است که روزنامه‌نگاری که حزبی بر سر قدرت غلبه می‌کند به سیاست‌مداران نزدیک تر است.

اگر دنیا را به نظام‌های سیاسی تقسیم کنیم، یک نظام سیاسی کثرت‌گرا یا چند حزبی داریم. در این نظام چند حزب وجود دارند و معمولاً در آستانه انتخابات فعال‌تر هستند. گروه دیگری ما داریم که در کشورها یا سوسیالیستی سابق مثل کوبا یا کره شمالی دیده می‌شود که نظام یک حزبی یا کارگری است؛ به این معنا که یک کارگری قدرت اصلی را دارد و خود را نماینده اکثریت جامعه می‌داند. حدود ۲۳۵ سال بعد از زمانی که در هندوستان برای نخستین‌بار تشریفات فارسی‌زبان منتشر شد (یک سستون به زبان فارسی) در ایران با تشریفات آشنا شدیم. پیش از مشروطه، روزنامه‌ها عمدتاً دولتی هستند و بعد روزنامه‌های حزبی پیدا می‌شوند. برای مثال روزنامه‌ای که امیرکبیر منتشر می‌کند، روزنامه ارگان دولت است اما در آن زمان امیرکبیر حزب نبوده و یک فرد بوده است. احزاب در

در آستانه هر انتخابات، تعدادی از نشریات که کارگرد حزبی دارند و وابسته به احزاب هستند، فعال‌تر می‌شوند. در تاریخ مطبوعات ایران احتضار روزنامه‌سالم تنها روزنامه حزبی بوده که توانسته است کارکرد مورد انتظار را داشته باشد و صد نمایندگی به مجلس فرستد؛ هر چند همین قدرت سیاسی نیز توانسته است این روزنامه به عنوان ارگان حمایت‌کننده به جاسوسی اقمی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، دبیر مطبوعات حزبی در ایران گفت‌وگو کرد؛ درایم:

✎ ابتدا باید پرسید روزنامه حزبی و روزنامه‌نگاری حزبی چه ویژگی‌ها و کارکردهایی دارد؟

روزنامه حزبی روزنامه‌ای است که ارگان یک تشکیلات سیاسی است و درآمد‌های آن به آگهی وابسته نیست. درآمد‌های این روزنامه‌ها از طریق تک‌فروشی به دست می‌آید که بالطبع روزنامه توسط هواداران خریداری می‌شود و درواقع این تک‌فروشی تضمین شده است یا به‌نوعی غیرمستقیم از حق عضویت اعضای حزب، اما یا پیرشتف تکنولوژی و تجاری‌شدن و استقلال مطبوعات، هنوز هم نقش آفرینی سیاسی آنها دیده می‌شود. از دهه ۱۹۰۰ که تیراژ مطبوعات فوق‌العاده بالا می‌رود، در برخی کشورها مانند انگلستان شاهد آن هستیم که روزنامه دلیلی میل تا ۳۰۵ میلیون نسخه چاپ می‌کند. به لحاظ زمانی، این دوره با دوره پهلوی اول در ایران مقارن است. تیراژ بالا، مطبوعات را به سمت استقلال سوق می‌دهد. اینجاست که در تاریخچه اروپاییان می‌بینیم بعد از جنگ جهانی دوم، مطبوعات حزبی مرکز می‌شود و مطبوعات مستقل بربرکت‌تر ایفای نقش می‌کنند؛ هرچند همین مطبوعات نیز هنگام انتخابات موضوع‌گیری می‌کنند و به مخاطبانشان برای رای‌دادن به کاندیداهای خاص می‌دهند. در تعریف روزنامه مستقل باید گفت روزنامه‌ای است که در درجه اول از نظر اقتصادی به هیچ نهاد دولتی یا حزبی یا سیاسی وابسته نیست. بنابراین استقلال به مفهوم این است که هیچ گروه یا نهادی نتواند روی تصمیمات تحریریه تأثیر داشته باشد. اما روزنامه حزبی روزنامه‌ای است که تحریریه آن تابعی است از تصمیم‌های یک حزب که می‌تواند حزب حاکم باشد (که درواقع این روزنامه ارگان دولت محسوب می‌شود) یا حزب اپوزیسیون و منتظر خدمت باشد یا حزب اترناتیو که یکی، دو نماینده فقط در مجلس داشته باشد و تأثیر چندانی در تصمیم‌گیری ندارد (چون در نظام پارلمانتاریستی قدرت به تعداد رای است که در مجلس گرفته می‌شود و روزنامه‌ها، به حزبی که پیروز حزبی در طول چند سال انتخابات نقش آفرینی می‌کنند) در هر حال یکی از زمان‌های بروز نقش‌های مطبوعات حزبی، در زمان کارزار انتخاباتی است که در این دوران به طور مشخص پرازنرژانی و جهت‌گیری‌شان مشخص است و نوشته‌هایشان سوگیری دارد. تحریریه این مطبوعات در این دوران ممکن است چشمانشان را بر برخی مسائل باز کنند و بر برخی مسائل ببندند و در میانه زمان بین دو انتخابات، بخشی که از روزنامه‌ها انتظار می‌رود، دیدگاهی است (طبیعی است اگر نشریه کاذب، ارگان حزب حاکم باشد، قطعاً گارد دفاعی دارد در دفاع از حقوق دولت حاکم) و اگر اپوزیسیون باشد، به‌نوعی دیده‌بان حکومتی است که بر سر کار است و مظاهار می‌بیند و بزرگ می‌کند، چرا؟ چون ادعای دارد که اترناتیو است که می‌تواند جانشین باشد. درواقع مطالعه سیاست در روزنامه‌نگاری حزبی جای تعریف‌شده‌ای است و تمام مطالبی که در آن منتشر می‌شود، به‌نوعی رنگ و بوی سیاسی دارد. در روزنامه‌نگاری حزبی اطلاع‌رسانی یک بخش است، یک بخش ارشاد و راهنمایی و البته یک بخش تبلیغات و به‌هرحال مانند هر نشریه دیگری، چنددرصدی هم به سرگرمی اختصاص دارد. اما در طول سال‌ها به نظر می‌رسد روزنامه‌نگاری حزبی در کشورهای مختلف کمرنگ شده است. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد آن است که در کشورهای مختلف الگوی متفاوتی در مفهوم تیراژ و کیفیت و سبک وجود دارد. برای مثال در آمریکا تا امروز هیچ روزنامه‌ای بالاتر از دو میلیون نسخه منتشر نشده است. علت آن است که در آن کشور هنوز بالغ بر هزار و ۵۰۰ عنوان روزنامه به صورت روزانه منتشر می‌شود و چون قدرت سیاسی در اتخابات توزیع شده است، روزنامه‌ها بیشتر به مسائل ایالتی می‌پردازند. روزنامه‌سراسری در آمریکا خیلی دارد است. اما در انگلستان در ۵۰ سال گذشته بین ۱۹ تا ۹۰ عنوان روزنامه سراسری منتشر شده و در لندن چاپ می‌شوند و تیراژ برخی از روزنامه‌ها تا پنج میلیون نسخه می‌رسیده است.

آیا روزنامه نگارانی که در تحریریه روزنامه‌های حزبی کار می‌کنند می‌توانند اصول حرفه‌ای روزنامه نگاری مثلاً بی‌طرفی را به شکل عام رعایت کنند؟

در اینجا درواقع یک نوع تناقض پیدا می‌شود؛ به این مفهوم که این فرد، روزنامه‌نگار است و کنشگر سیاسی. فرق بین روزنامه‌نگار به‌عنوان کنشگر سیاسی و سیاست‌مدار این است که روزنامه‌نگار کسی است که در سندیکی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری عضویت دارد و درآمدش را از طریق تخصص حرفه‌ای‌اش تأمین می‌کند. روزنامه‌نگاری یک حرفه است و

منبع: نیویورک تایمز